

سیمای زن در ضرب‌المثل‌های فارسی، عربی و ترکی آذری(*)

کبری جبارلی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آل‌البیت_آردن

چکیده

زنان به مثابه نیمی از جمعیت جامعه، با وجود نقش مثبت و همپای مردان در جامعه، در گذر دوران‌های مختلف همواره از ناملایمات و تبعیض‌ها در رنج بوده‌اند. امروزه با وجود پیشرفت‌های قابل ملاحظه فکری، فرهنگی و تربیتی جوامع، هنوز هم آثاری از این افکار در نوع برخوردها یا حداقل در قضاوتها نسبت به ابعاد شخصیتی زنان به چشم می‌خورد. ضرب‌المثلها به عنوان رکنی اساسی در بازنتاب افکار، اعتقادات، عادات و فرهنگ يك جامعه مورد توجه این پژوهش قرار گرفته و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، سعی شده سیمای زن فارغ از نقش‌های اجتماعی‌اش و تنها از نظر جنسیت، در این بخش از ادبیات و فرهنگ عمومی جوامع عربی، فارسی و ترکی آذری به‌روشی نو دسته‌بندی و مورد کنکاش و مقایسه قرار گیرد تا نقاط اشتراك و افتراق هر زبان در این خصوص آشکار گردد.

ذکر این نکته لازم است که هرچند موقعیت زنان در جوامع امروزی بهبود بسیاری را تجربه کرده، با توجه به رویکرد تاریخی نسبت به زن در این جوامع، اغلب تصویری منفی و نادرست از زن در ضرب‌المثلها ترسیم شده است که اصلاح این تصویر نیازمند عزم و اراده ملی و حاکمیتی برای اثرگذاری در این زمینه و فرهنگ‌سازی مناسب است.

کلمات کلیدی: ضرب‌المثل، زن، زبان عربی، زبان فارسی، زبان ترکی آذری، فرهنگ، سنت و افکار ایدئولوژیک.

صورة المرأة في الأمثال الفارسية والعربية والتركية الأذربيجانية

الملخص:

تشكل المرأة نصف المجتمع، وكان لها دور مهم إلى جانب الرجل على مر العصور ومازال، إلا أنها عانت على الدوام من العنصرية والمعاملة السيئة، وبالرغم من تقدم المجتمعات وتطور الحضارة والثقافة، فما زالت بعض الأفكار التي تحط من مكانة المرأة حاضرة، والأحكام التقليدية المتعلقة بشخصية المرأة سائدة.

وتعد الأمثال ركن أساس لانعكاس الأفكار والمعتقدات والعادات والثقافة الخاصة في أي مجتمع، لذلك سيعمل البحث على دراسة صورة المرأة في أمثال المجتمعات الفارسية والعربية والتركية الأذربيجانية، وبيان أوجه التشابه والاختلاف بينها، معتمدا على الأسلوب الوصفي التحليلي.

ومما يجدر ذكره أنه على الرغم من أن مكانة المرأة قد ارتقت في المجتمعات المعاصرة إلا أن النظرة التاريخية النمطية السلبية والباطنة تجاه المرأة ما زالت حاضرة في أمثالها، ويحتاج تغييرها إلى عزم وإرادة قومية ووضع برامج وطنية وإيجاد ثقافة جديدة تتناسب مع دور المرأة ومكانتها.

الكلمات المفتاحية: الأمثال، المرأة، اللغة الفارسية، اللغة العربية، اللغة التركية الأذربيجانية، الثقافة، التقاليد، الاعتقادات.

The Image of Woman in Persian, Arabic, Turkish Azerbaijan Proverbs

Abstract

The woman forms half of the community, she has always had that important and significant role next to the man through ages, still she has suffered a great deal from discrimination and misbehavior. In spite of communities' development and culture progress, woman status is still stigmatized and despised by some thoughts, and traditional prejudgments concerned with woman are still predominant.

Proverbs are considered the pillars and the milestones to all thoughts, doctrines, traditions, and believes of a community. Thus, the research will study the image of woman in Persian, Arabic, Turkish Azerbaijan Proverbs, the similarities and differences between them based on descriptive analytical approach.

It's worth saying that in spite of woman status elevation in modern societies, the wrong negative historical and typical attitudes towards woman are still present in evoking her in proverbs. Making a

change in this stand requires a national determination, outlining national programs and finding modern culture that suites with woman status and her role.

Keywords: proverbs, woman, Persian Language, Arabic Language, Turkish Azerbaijan Language, customs, traditions.

مقدمه

در این تحقیق، سیمای زن از نظر جنسیت^(۱) مورد بررسی قرار گرفته و از پرداختن به ضرب‌المثل‌هایی که به نسبت‌های خویشاوندی مانند خاله، عمه، خواهرشوهر، مادرزن و ... اشاره دارند، خودداری شده و تنها به آن دسته از امثال توجه شده که بازتاب دهنده دیدگاه اهل زبان نسبت به جنس زن بوده‌اند. با توجه به گسترده‌گی موضوع، این امثال در چند دسته طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا نشان داده شود در هر يك از زبان‌های فارسی، ترکی آذری و عربی چه تصویری از زنان وجود دارد و اشتراکات و تفاوت‌ها مقایسه شود.

عد از ظهور اسلام، استقبال ایرانیان از دین جدید زمینه تحکیم روابط ایرانیان و عربها را مساعدتر کرد، اما به نظر می‌رسد جدا از اثرات دین مبین اسلام، تأثیرپذیری از فرهنگ و عقاید عربی، بیشتر تحت تأثیر استیلای سیاسی و حاکمیتی و غلبه فرهنگ حاکم حاصل گشته باشد و می‌توان گفت همه کشورهایی که در قلمرو جهان اسلام قرار گرفته‌اند، از جمله ملت‌های فارسی زبان و آذری، به فراخور حال خود و موقعیتی که حتی قبل از اسلام در مراودات خود با یکدیگر داشته‌اند، از این امر اثر پذیرفته‌اند و «ثمره این تأثیر در زبان، ادبیات، سنت و عادات این ملت‌ها تبلور یافته است.» (اقبالی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). به طور طبیعی پس از گذشت سالیان، ادبیات و فرهنگ عربی نیز از ادب و فرهنگ میزبان تأثیر پذیرفته است که پرداختن به آن مجال این تحقیق نیست و خود پژوهش دیگری می‌طلبد؛ زیرا این تحقیق تنها درصدد بازتاب سیمای زن در امثال عربی، فارسی و ترکی آذری است. اما با این وجود تعداد مثل‌های مشترك در این سه زبان کم نبودند و تا جای ممکن به آنها اشاره شده است.

روش و پیشینه تحقیق

در این بررسی، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، رویکردهای موجود نسبت به زنان در ضرب‌المثلهای فارسی، عربی و ترکی و نقاط اشتراك یا افتراق آنها را مورد توجه قرار داده‌ایم. به بیان دیگر، ابتدا با استفاده از روش استقرائی، مثلهای مربوطه را برگزیدیم؛ سپس با بهره‌مندی از روش توصیفی نوع نگرش و توجه این سه زبان به زن را در ضرب‌المثل تعیین نموده، سپس در چند دسته، مورد مقایسه و تطبیق قرار داده‌ایم. منابع مورد استفاده در استخراج ضرب‌المثل‌ها به قرار زیر بوده است:

فرهنگ بزرگ ضرب‌المثلهای ایرانی (ذوالفقاری)، امثال و حکم (دهخدا)، دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها (شکورزاده بلوری)، الأمثال (أصمعی)، موسوعة الأمثال الشعبیه (زیادنة)، الشعب المصري فی أمثاله العامة (شعلان)، ضرب‌المثلهای ترکی در گویش زنجان (شاه‌محمدی و همکار)، ضرب‌المثلهای تطبیقی ترکی و فارسی (زارع شاه‌مرسی)، ۷۰۰ ضرب‌المثل از فرهنگ مردم شهرستان اهر (دوستی).

در زمینه تصویر زن در ضرب‌المثل، پژوهش‌های چندی صورت گرفته که اغلب سعی در بررسی مثل‌ها در حیطه يك زبان داشته‌اند. برخی هم به صورت دوسویه به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر تصویر زن در ضرب‌المثلهای سه زبان فارسی، ترکی آذری و عربی در يك تقسیم‌بندی و با نگاهی متفاوت منعکس خواهد شد. اکنون به پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اشاره می‌کنیم:

مقاله بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات (۱۳۹۲): بر اساس نتایج این تحقیق، زن در ادبیات کلاسیک فارسی و عربی چهره چندان مثبت و درخور ستایشی ندارد. در میان امثال و حکم نیز هویتی مخدوش و تیره دارد و دیدگاههای منفی بر سیمایش سایه افکنده است. هدف تحقیق این است که با روش تحلیل محتوا و بر اساس آموزه‌های اسلامی به بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم پرداخته و با استناد به آیات و روایات، بی‌پایه بودن ادعاها علیه زنان در امثال را اثبات کند.

زن در آینه ضرب‌المثل‌های کردی و عربی (۱۳۹۵): نویسندگان این مقاله، تلاش کرده‌اند با رویکردی تاریخی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع به بررسی تطبیقی سیمای زن در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی بپردازند و عوامل پیدایش دیدگاه‌های متفاوت دو زبان را واکاوی نمایند. تقسیم‌بندی صورت گرفته از امثال در این پژوهش در دو دسته کلی دیدگاه مثبت و منفی نسبت به زن می‌باشد و ضرب‌المثل‌های انتخاب شده شامل تمامی جوانب جنسیتی و نسبی زن می‌گردد.

زن در آینه ضرب‌المثل‌های ایرانی (۱۳۹۱): با بررسی ۴۵۰ ضرب‌المثل مربوط به زنان، آنها را از نظر موضوع به ۱۵ عنوان تقسیم‌بندی کرده، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است.

زن در ضرب‌المثل‌های فارسی؛ رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (۱۳۹۴): هدف پژوهش، مقایسه ضرب‌المثل‌های زنان در دو فرهنگ «کوچه» و «امثال و حکم» با مؤلفه‌های کیفی و کمی است. در این پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود که سیر کلی گفتمان ضرب‌المثل‌های مربوط به زنان در فرهنگ فارسی در راستای برقراری تعادل و مبارزه با نابرابری است، اما تغییرات ساختارهای اجتماعی و زبانی لزوماً با یکدیگر مقارن نیستند.

جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری (۱۳۹۴): نویسندگان این پژوهش با بررسی ضرب‌المثل‌های بختیاری در زمینه ازدواج، چندهمسری، شناخت پیش از ازدواج و مسائل مربوط به خانواده و جامعه، در نهایت به این نتیجه رسیده است که زن در مسائل اجتماعی جایگاه فرودستی نسبت به مردان دارد و نگاه مردسالارانه در بسیاری از مثلها مشهود است، اما در برخی زمینه‌ها زن جایگاهی برابر یا حتی برتر دارد برای مثال، هنگامی که صحبت از مسائل کلی و عام بشری باشد، مقام زن با مرد برابر است.

بررسی جایگاه زنان در امثال و حکم فارسی با رویکرد جامعه‌شناسی (۱۳۹۲): این پژوهش بر آن است تا جایگاه زن را در فرهنگ فارسی و در آینه امثال و حکم از طریق یک نگاه تحلیلی و انتقادی با رویکرد جامعه‌شناسانه و بدون هیچ تعصب و گرایشی بررسی نماید و در نهایت به این نتیجه رسیده که

تحت تأثیر عناصر قدرت‌مداری که در همواره در اختیار مردان بوده، سیمای زن در ادبیات سنتی همواره منفی است.

بررسی ویژگیهای منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی (۱۳۹۳): این پژوهش به بررسی نزدیک ۴۰۰ ضرب‌المثل، در سه حوزه کلی پرداخته است: نخست بررسی ویژگی‌های فیزیکی و روان‌شناختی زنان، دوم؛ بررسی مقوله‌های اخلاقی و عاطفی و در نهایت روابط خانوادگی و اجتماعی زنان. بر اساس نتایج این تحقیق ساختار تمثیل‌های مورد بررسی قرار گرفته، جایگاه واقعی زن را آنچنان که باید نشان نمی‌دهد و عمدتاً بر برجسته‌سازی جنبه‌های منفی شخصیت زن تأکید دارد.

تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی (۱۳۹۷): بر اساس یافته‌های این تحقیق که بر مبنای الگوی فرکلاف به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته، نویسندگان مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که در بیشتر موارد تصویری که از زن ارائه می‌شود، تصویری خنثی و عاری از ارزش‌گذاری است و تبعیض و نابرابری جنسیتی در ضرب‌المثل‌های ترکی به‌ندرت دیده می‌شود.

صورة المرأة فی الأمثال الشعبیة الفلسطینیة، دراسة مقدمة للمؤتمر العلمی «التاریخ الشفوی الواقع والطموح» (۲۰۰۶): بر اساس نتایج این تحقیق، امثال بررسی شده، تصاویری متعددی از زن در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی ارائه می‌دهد و این امر به نوبه خود در شکل‌گیری سیمای کلی زن در جامعه فلسطین نقش دارد. برای همین بازتاب‌های متفاوت منفی و مثبت از نقش زن در خانه، جامعه و ارتباط با دیگران، به وجود می‌آید. بسیاری از این بازتاب‌های منفی مخالف معیارهای دینی قرآن و سنت پیامبر می‌باشد.

صورة المرأة فی الأمثال الشعبیة الأردنیة، الأكادیمیة للدراسات الإجتماعیة والإنسانیة (۲۰۱۱): هدف این پژوهش افشای تصویر زن در ضرب‌المثل‌های عامیانه اردن با به کارگیری روش تحلیل محتوی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تصویر منفی زن در این ضرب‌المثلها بیشتر از تصویر مثبت آن است و این مسأله از نگاه پست‌انگارانه نسبت به زن به

عنوان دختر، زن مطلقه، بیوه‌زن و پیرزن ناشی می‌شود و تصویر مثبت از زن تنها هنگام ایفای نقش‌های خاص مانند مادر محدود می‌شود. پژوهشگر در نهایت توصیه می‌کند برای تصحیح این دیدگاه غلط نسبت به زن در فرهنگ عامه، طرحی فراگیر مورد اجرا قرار گیرد.

«صورة المرأة في الأمثال والحكم الفارسية» (۲۰۱۱)، «صورة المرأة كما تقدمها برامج المرأة في الإذاعة الصوتية» (۱۹۸۸) و «المرأة في الأمثال والأقوال، رؤية معاصرة» (۲۰۰۷) از دیگر پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه است که هر يك با انتخاب ضرب‌المثل‌های عربی با دسته‌بندی خاص خود به بررسی این مهم پرداخته‌اند.

ضرب المثل و فرهنگ و ادبیات عامه

ضرب المثلها یکی از منابع مطالعات مردم‌شناسی می‌باشند و با مطالعه آنها می‌توان سیر تفکر حاکم بر يك ملت را در زمینه‌ای خاص به تماشا نشست. ضرب‌المثل جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی، مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ و روشنی معانی در میان مردم رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر به کار برده می‌شوند (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۵). مثل‌ها نشانگر رفتارهای بهنجار، نابهنجار و ارزش‌های ضداجماعی هستند که مردم آنها را پذیرفته یا رد کرده‌اند. از این‌رو بیش از ادبیات مکتوب و شعر و نثر نشان‌دهنده اندیشه‌های اجتماع هستند. (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۰).

واژه فولکلور انگلیسی، متشکل از دو بخش «Folk» به معنی قوم، مردمی، محلی و همگانی و «Lore» به معنی دانش می‌باشد. ادبیات مربوط به فولکلور، دانشی اختصاصی نیست که به دست عده‌ای ترویج یابد و انعکاس‌دهنده افکار نویسنده آن باشد، بلکه دانشی شفاهی و عامه است که در متن جامعه جاری است و از این نظر برای بررسی افکار حاکم بر يك ملت در زمینه‌های مختلف دارای ارزشی منحصر به فرد است. ضرب المثل‌ها یکی از جلوه‌های مهم ادبیات شفاهی هر کشور هستند. اثرگذاری زیاد در میان افراد جامعه، تأثیرپذیری آشکار از امور اعتقادی، قدرت تسری در میان نسلها،

شبهات و اشتراك در میان مثل‌های مربوط به فرهنگ‌های شرقی بویژه اسلامی، نامعلوم بودن اصل وریشه مثل، و رواج بیشتر در محیط‌های روستایی بویژه کم‌برخوردار از نظر تربیتی را می‌توان از جمله ویژگی‌های ضرب المثل‌های عامیانه به حساب آورد.

ضرب المثلها در مقایسه با سایر انواع ادبی، از تسلط سیاسی حاکمان برکنارند و نمی‌توان مانع انتشار آنها شد (شعلان، ابراهیم أحمد ۱۹۷۲: ۵)، هرچند که اثرپذیری غیرمستقیم از شرایط مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند. «این بخش عظیم ادب عامه، جزو خالص‌ترین، شفاف‌ترین و گویاترین لایه‌های ذوق و اندیشه خواص و عوام هر جامعه است که زشتی‌ها و زیبایی‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها و هنجارها و ناهنجارهای جامعه را به خوبی می‌توان در آنها دید و کاوید. خوشبختانه این عرصه هنرنمایی و فرافکنی اندیشه‌ها، عقیده‌ها و عقده‌ها، چندان متکثر و متنوع است که به‌خوبی می‌توان زیر وبم و چم و خم جهان‌بینی، ذهنیت، شیوه معیشت و نگاه يك ملت یا قومیت‌های گوناگون را نسبت به عرصه‌های رنگارنگ زندگی کاوید و تحلیل کرد.» (باقری، بهادر و فاطمه ۱۳۹۱: ۳۰)

ضرب المثل‌ها در واقع ذخیره‌ای غنی از تجارب و گذشته‌های تاریخی مردم يك جامعه‌اند. مثلها از این حیث بازتابی از زندگی مردم هستند که از یکسو تمامی زندگی به شکلی زنده و پرجاذبه در مثل‌ها دیده می‌شود و از سوی دیگر، تمامی قوانین و قواعد اجتماعی و دینی به شکلی ساده از زبان مثل‌ها روایت می‌شود تا قابل فهم برای همگان گردد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۲) «یکی از کارکردهای ادبیات، نشان دادن لایه‌های عمیق فکری و فرهنگی جامعه و ارزش‌ها و ضدارزش‌های آن است.» (باقری، بهادر و همکار، ۱۳۹۱: ۳۰) البته ناگفته پیداست که برخی مثل‌ها ممکن است دیگر امروزه واقعا بیانگر دیدگاه مردم نسبت به يك موضوع نباشند یا تأثیر عملی بسیار کم‌رنگی در زندگی مردم داشته باشند و تنها به عنوان يك لقلقه لسان به جای مانده از گذشته به حساب آیند یا مصداق و کاربرد آنها بسیار محدود شده یا تنها در اجتماعات کوچک و به دور از رشد و بالندگی فرهنگی رواج داشته باشند.

بررسی سیمای زن در ضرب‌المثل‌های سه زبان

بحث درباره نگاه جامعه به زن دامنه گسترده‌ای پیدا خواهد کرد. قدر مسلم آن است که از دوران پیش از اسلام تا به امروز درباره زن هم دیدگاه منفی و هم دیدگاه مثبت همیشه وجود داشته است. هرچند چنین برداشت می‌شود که در گذر زمان، شرایط زنان در جامعه بهتر از قبل شده، با این حال حداقل بر اساس اصول اعتقادی، در گذشته نیز زنان در مسائلی مانند رد یا قبول تقاضای ازدواج، آزادی عمل داشته‌اند و جویا شدن نظر دختران برای ازدواج در خانواده معمول بوده است. فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی عرصه دیگری بود که زنان می‌توانستند در آن حضور یابند، مانند حضور حضرت خدیجه، همسر پیامبر اکرم (ص) در عرصه تجارت.

در دوران جاهلیت وضعیت زنان بسیار اسفناک بود و بر اساس اعتقاد برخی از قبایل عرب، به عنوان محصول الهه بشر، لازم بود از شر آن خلاص شوند. همچنین مرد حق داشت با هر تعداد زن که بخواهد ازدواج کند (رزق، سامیه سلیمان، ۱۹۸۸: ۸)

زن در آن دوران، ترس از عار و فقر بود و دختران و زنان با وجود شرکت در کارهای خانه و مزرعه یک مصرف‌کننده به حساب می‌آمدند و عجیب نیست که در برخی فرهنگها و جوامع کارشان در سطح اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته نمی‌شود. (الخشاب، ۱۹۸۳: ۲۵، به نقل از عدنان محمد نجم، منور و همکار، ۲۰۰۶: ۱۳)

«در تاریخ ایران باستان، به طور کلی زنان تحت قیمومیت رئیس خانوار بودند و سرپرست خانواده می‌توانست زنان و کودکان خود را بفروشد و یا درباره آنها تصمیمات دلخواهانه بگیرد، زنان از بهایم کمتر به شمار می‌آمدند و وضعی بس رقت‌بار داشتند». (قائمی زاده، ۱۳۷۳: ۴۲). زندگی آنان با فشار مضاعف همراه بود و همانند برده بودند. (همان: ۴۴).

با ظهور اسلام، زن به طور کامل به حقوق خود رسید، حق ارث یافت (شبلی، ۱۹۷۹: ۲۲) و به آن از دیدگاه انسانی نگریسته شد و از شخصیت و حقوق کامل در رفتار، مالکیت و غیره دست یافت (عبدالباقی، ۱۹۸۱: ۳۸).

در تاریخ، زن مسلمان به بالاترین درجات علمی، ادبی و فرهنگی رسیده و نویسندگان، شاعران، خطیبان، پزشکان، سیاستمداران و استادان زیادی زن بوده‌اند (رضا، ۱۹۷۵: ۱۳). اما متأسفانه در برخی دورانها از جمله دوران متوکل والقادر بالله عباسی، تحرکاتی ضد زنان از جانب حکومت شکل گرفت و زنان از رفتن به مسجد برای نماز و اختلاط با مردان منع شدند (رزق، ۱۹۸۸: ۱۱۵). بنابراین می‌توان گفت نگاه‌های منفی و سطحی به زن یکبار دیگر رخ نشان داد و وارد تفکرات جامعه گردید و ارزشهای اسلامی زن به مرور تضعیف شده یا حتی تبدیل به ضد ارزش شدند. تفکراتی از این دست، متأسفانه در گذر دوران‌ها ادامه یافت و تا به امروز نیز برخی از آنها با شدت و ضعف کمتر پابرجا مانده است. برای مثال، ضرب‌المثل «إن دشروا البنیت علی خاطرها یا بتوخذ طبال یا زمار» (درباره اختیار ندادن به دختر در امر ازدواج) در تعارض کامل با سنت پیامبر و اعتقادات اسلامی است. زیرا رضایت قبل از ازدواج شرط است و دستور داده شده بدون اجازه و رضایت زن، ازدواج نکنید (النسائی، ۱۹۸۶، ج ۶: ۸۵).

به طور کلی می‌توان ادعا کرد که در هر دوره از تاریخ با توجه به بسترهای موجود اجتماعی و شرایط سیاسی، اعتقادی و فرهنگی جامعه، شرایط زن نیز در نوسان بوده و تفکرات حاکم بر جامعه درباره زن، در ادبیات شفاهی و مکتوب بازتاب یافته است. از این رو، دیدگاه جنسیتی حاکم در هر جامعه‌ای از عوامل گوناگونی چون اقتصاد، دین، گذشته تاریخی و شکل حکومت متأثر گشته و خود را در ابعاد گوناگون فرهنگی نشان می‌دهد. ضرب‌المثل‌ها هم که یکی از ابعاد گوناگون فرهنگ جامعه هستند، از این لحاظ مورد توجه قرار می‌گیرند.

۱- سیمای شخصیت فردی:

از دیدگاه روانشناسی و بررسی شخصیت، گفتار مردان بیشتر درباره امور بیرونی و ملموس مانند امور مرتبط با اقتصاد و ثروت، مالکیت و سیاست است و همین امر آنها را از پرداختن به «خود» و مسائل مربوط به آن و احساسات درونی دور می‌سازد. این در حالی است که زنان برعکس مردان

هستند و کلام و رفتار آنها حاکی از اموری است با تأثیرات عاطفی و درونی. زنان بیشتر اطلاعات شخصی و عاطفی خود را بروز می‌دهند و با این کار چه بسا ضعف خود را آشکار می‌کنند. بنابراین، امور ناشی از احساسات و عواطف و پرداختن به «خود» و مسائل درونی باعث بازتاب بیشتر برخی از صفات در زنان به عنوان وجهه غالب می‌گردد که گاه نیز با دستاویز قرار داده شدن برجسته‌سازی می‌گردند تا گوینده را به اهداف خاصی نزدیک کنند.

با تکیه بر همین گرایش‌های فردی، شاهد ویژگی‌هایی در زنان هستیم که در مردان کمتر دیده می‌شود، لذا این ویژگی‌ها کلیت یافته، به شکل عبارتهای پربسامد وارد ادبیات عمومی می‌شوند.

الف) فارسی:

- دل‌نازکی: دل زن نازک باشد

- ناز کردن: دیگ بی‌پیاز وزن بی‌ناز نباشد

- دلتنگی: زنان را دلی تنگ بود و زود نرم گردد

- علاقه وافر به جشن: اگر بگویند در آسمان جشن است، زنها به دنبال نردبان می‌گردند

- اعجاب‌آور بودن: زن جنس غریبی است؛ عاقلها را دیوانه و دیوانه‌ها را عاقل می‌کند

- پرحرفی: زرگرها و زنها خداحافظی‌شان قدر يك آش پختن طول می‌کشد

- تندی کردن: زنان چون آتشند از تندخویی زن و آتش ز يك جنسند گویی

ب) عربی:

- خود دوستی: ثلاثة لا تحبها المرأة امرأة أجمل منها، ومن يسألها عن عمرها، ومن يسألها عن ماضيها: سه چیز است که زن دوست ندارد: زنی که زیباتر از او باشد، کسی که از او درباره سنش پرسد و کسی که درباره گذشته‌اش سؤال کند.

- ظرافت روحی: إن المرأة کنسیج العنكبوت لا یمكن إصلاحه عندما یتمزق:

زن مانند تور (بافته) عنكبوت است اگر دریده شود، نمی‌توان آن را درست کرد.

- درك ناشدنی برای مرد: الرجال تفهمهم النساء ولكن النساء لا يفهمهم إلا النساء: مردان را زنان می‌فهمند، اما زنان را فقط زنان می‌فهمند!

- گریه: المرأة دمة وابتسامة: زن اشك است ولبخند!

- عشق و نفرت: لا تسأل المرأة عن حب بل عن تكره: از زن درباره کسی که دوست دارد، سؤال نکن، بلکه درباره کسی بی‌پرس که نفرت دارد.

- مفهوم عشق برای زن: الحب قصة حياة المرأة وهو مرحلة من مراحل حياة الرجل: عشق داستان زندگی زن است و مرحله‌ای از مراحل زندگی مرد!

- پرحرفی: آخر ما يموت في المرأة لسانها: آخرین عضوی که در وجود زن می‌میرد زبانش است

- ضعف: المرأة ضلع قصير: سرشت زن از ضعف است.

(ج) ترکی:

- کندی: آروادا دئیئرم دور آش پیشیر، آشی پیشیرینجه اوره‌گیم شیشیر: به زن می‌گویم آش بپز تا آش بپزد، جگر مرا خون می‌کند

- پرحرفی: باجی، باجین اولسون درد چوخ واخ یوخ: آجی، آجی‌ات بمیرد؛ وقت کم است و درد بسیار.

| سیمای شخصیت فردی زن | |
|---------------------|---|
| زبان و فرهنگ | خصوصیات مورد توجه |
| فارسی | دل‌نازکی، ناز کردن، دلتنگی، علاقمندی وافر به جشن، اعجاب‌آور بودن، پرحرفی و تندگی کردن |
| عربی | خوددوستی، ظرافت روحی، درك‌ناشدنی برای مرد، گریه، عشق و نفرت، پرحرفی و ضعف |
| ترکی | کندی و پرحرفی |

۲- سیمای اقتصادی زن:

در این نما ضرب‌المثل‌هایی مد نظر قرار گرفته که از دیدگاه اقتصادی به زن نگریده‌اند. از این رو، گاه از دریچه تنگناهای اقتصادی ازدواج و گاه نیز از منظر مسائل مالی بعد از ازدواج به زن نگریده شده و متأسفانه چهره زن در غالب این ضرب‌المثل‌ها منفی است؛ گویی که مرد در زیر فشار اقتصادی در صدد تخلیه بار روحی این مشکلات می‌باشد.

(الف) فارسی:

- نقش زن در اقتصاد خانواده: زن خوب مرد را به دولت می‌رساند وزن بد مرد را خانه خراب می‌کند (اسب پرخور وزن کم‌خور مرد خانه را به مکه می‌فرستند!)

- هزینه‌های ازدواج: برادر، زن می‌خواهد، نمی‌داند که زن زر می‌خواهد

- معاش خانواده: خدا ایمان می‌خواهد و عزرائیل جان؛ وزن و فرزند نان

- ولخرجی: مرد به پارو می‌آورد وزن به جارو بیرون می‌ریزد (ولخرجی)

- پایان آسودگی مرد: ای گرفتار و پای‌بند عیال دیگر آسودگی مبنده خیال

(ب) عربی:

- حد مالکیت برای زن: التملك بالنسبة للرجل نهائية ولكن بالنسبة للمرأة بداية: مالکیت برای مرد، پایان است اما برای زن شروع.

- دیدگاه زن به ثروت مرد: لا يعيب الرجل إلا جيبه: تنها عیب مرد (از نظر زن) جیب (خالی) اوست.

- علاقه زن به طلا: بالنار يختبر الذهب وبالذهب تختبر المرأة وبالمراة يختبر الرجل: طلا را با آتش، زن را با طلا و مرد را با زن می‌آزمایند

(ج) ترکی:

- پایان آسودگی مرد: آرواد آلدین بیر بلا، اوننان اولان بیر بلا: اگر زن بگیری يك بلاست فرزندی که از او متولد می‌شود بلایی

- ولخرجی زن: من گتیررم بیغین بیغین آرواد پایلار توربا توربا: من ذره ذره می‌آورم زن کیسه کیسه می‌بخشد.

- لزوم پرهیز از ثروت زن: آرواد مالی آلچاق قاپیدیر بیر گیرنده آنینا دیر بیر چیخاندا: ثروت زن مانند در کوچکی است که یکبار موقع ورود به پیشانی می‌خورد و یک بار موقع خروج.

| سیمای اقتصادی زن | |
|------------------|---|
| زبان و فرهنگ | خصوصیات مورد توجه |
| فارسی | نقش زن در اقتصاد خانواده، هزینه‌های ازدواج، معاش خانواده، و لخرجی زن و پایان آسودگی مرد |
| عربی | حد مالکیت برای زن، دیدگاه زنان به ثروت مرد و علاقه زن به طلا |
| ترکی | پایان آسودگی مرد، و لخرجی زن، و لزوم پرهیز از ثروت زن |

۳- سیمای اجتماعی زن:

زنان نیمی از یک جامعه هستند و اساساً هیچ جامعه‌ای بدون حضور زنان شکل نمی‌گیرد. یک پایه هر تمدن و پیشرفتی به وجود زن وابسته است و حتی می‌توان سهم زنان را بیش از این دانست، چرا که «پشت هر مرد موفق، یک زن ایستاده است». تصور یک مرد یا خانواده خوشبخت، تنها با حضور یک زن میسر است؛ زنی که همراه و ملازم خانواده در ناملازمات و سختی‌هاست و اجازه نمی‌دهد لبخند از لبان همسر و فرزندانش رخت بر بندد. از این منظر و از دیدگاه اعتقادی و دینی، زن یک فرشته آسمانی و موجودی مقدس و الامقام و سخت مورد احترام و تکریم است. به جهت گستردگی ضرب‌المثل‌های اجتماعی، آنها را در سه بخش «سیمای پسندیده»، «سیمای نکوهیده» و «سیمای تحقیرآمیز» دسته‌بندی کرده‌ایم:

۳-۱- سیمای پسندیده:

در این بخش به ذکر نمونه ضرب‌المثل‌هایی می‌پردازیم که مورد تصور، پسند و درخواست بخش اعظم جامعه از زن است. در حقیقت جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم از زنان خود این تلقی غالب را دارد یا به نوعی ترویج می‌دهد:

الف) فارسی:

- خانه‌نشینی: زن چه می‌داند که کوه مه‌آلود است، در خانه نشسته، حکمش جاری است

- پاکدامنی: زن پارسا را نکوتر هنر نباید که بر بام یابد گذر

- صیانت از خانواده: آستر رویه را نگاه می‌دارد وزن شوهر را

- ریاست خانه: زن رئیس خانه است.

- زاینده‌گی: زن تا نزاید بیگانه است (زنان را همین بس بود يك هنر

نشینند وزايند شیران نر^(۲)). هر دو مثل در اینجا به صورت مستقیم

و غیرمستقیم به انتظار و توقعی اشاره می‌کنند که از زن برای فرزندآوری

می‌رود.

- زرنگی: اگر آب تلخ سرد نباشد، اگر زن زشت، زرنگ نباشد فایده ندارد

- وفاداری: برای پسر شاهت مادر نباش اما برای شوهر کورت زن باوفایی

باش

- زیبایی: برای زن زیبا یار می‌آید، برای زن زشت کار (زنان هرچند سست

وناتوانند، دل‌آرای دبیران جهانند)

ب) عربی:

- خانه‌نشینی: البننت وراء الباب والولد ببغداد: دختر پشت در است و پسر در

بغداد.

- جلب‌کننده روزی و برکت: ابوالبنات مرزوق: پدر دختران، روزی‌داده شده

است (بیت البنات بیت البرکات: خانه‌ای که دخترانی دارد، خانه

برکت‌هاست)

- زیبایی و روح زندگی: المرأة زهرة الربيع، وقتنة الدنيا، وروح الحياة: زن

گل بهار و فتنه دنیا و روح زندگی است.

- سبیل پیشرفت جامعه: إذا أردت أن تعرف رقي أمة فانظر إلى نساءها: اگر

خواستی میزان پیشرفت يك ملت را بدانی، به زنانش نگاه کن

ج) ترکی:

- خانه‌نشینی: آرواد نه بیلیر داغدا دومانندی اؤیده اوتوروپ حکمی رواندی: زن چه می‌داند کوهها را مه گرفته در خانه نشسته فرمانروایی می‌کند.
- قدرت زن در صیانت از زندگی مشترك یا نابودی آن: آرواد وار اؤی بیغار آرواد وار اؤی بیغار: زنانی هستند که سامان خانه‌اند و زنانی هستند که سامان خانه را برباد می‌دهند و مرد را خانه خراب می‌کنند. (جنبه منفی: آرواد بیخان ئوی فلک بیخا بیلمز: خانه ای را که زن ویران کرده، فلک هم نمی‌تواند ویران کند.)
- جاری ساختن زندگی: آروادسیز ائو سوسوز دئیرمان: خانه بی‌زن مثل آسیاب بی‌آب است
- ارزندگی: قیز قیزیلدیر قدرینی بیلسین گرك: دختر طلاست باید قدرش را بدانی.
- عیوب زیبایی: گؤزل آرواد شیلتاق اولار : زن زیبا مغرور و ناسازگار می‌شود

| سیمای اجتماعی پسندیده زن | |
|--------------------------|--|
| زبان و فرهنگ | خصوصیات مورد توجه |
| فارسی | خانه‌نشینی، پاکدامنی، صیانت از خانواده، ریاست خانه، زاینده‌گی، زرنگی، وفاداری، زیبایی |
| عربی | خانه‌نشینی، جلب‌کننده روزی و برکت، زیبایی و روح زندگی، و سبیل پیشرفت جامعه |
| ترکی | خانه‌نشینی، قدرت زن در صیانت از زندگی مشترك یا نابودی آن، جاری ساختن زندگی، ارزندگی، و عیوب زیبایی |

۳-۲- سیمای نکوهیده:

حال نمونه ضرب‌المثل‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهیم که هرچند دیدگاه طیف خاصی از جامعه نسبت به زن است و به هیچ عنوان موضع کل

جامعه نسبت به زنان نیست، اما به هر روی تصویری نکوهش‌شده از زن ارائه می‌دهد:

الف) فارسی:

- مایه غم: زن نداری غم نداری.
- عامل جدایی پسر از خانواده خود: گفتند اهل کجایی؟ گفت هنوز زن نگرفته ام (زن کجایی مرد آنجایی - خودم می‌خورم و زنم گور پدر ننه‌ام)
- نامطلوب بودن: زن اگر چیز خوبی بود، خدا يك زن هم برای خودش می‌گرفت (بزرگترین خوش‌بختی زن‌ها این است که مثل مردها مجبور نیستند زن بگیرند)
- مایه گرفتاری: اسبگیر وزن‌گیر دیوانه است (از بدیهای زن مشو ایمن گرچه از آسمان نزول کند)
- تنبلی: زنان را از آن نام ناید بلند که پیوسته در خوردن و خفتند

ب) عربی:

- ناامنی: ثلاثة ما فيهم أمان: المرأة والبحر والسلطان: در سه چیز امنیت وجود ندارد: زن؛ دریا و سلطان.
- فریبکاری: الشيطان أستاذ الرجل وتلميذ المرأة: شيطان استاد مرد و شاگرد زن است! (المرأة تغلب الشيطان: زن به شيطان غلبه می‌کند)
- عامل گمراهی و تباهی مرد: المرأة والمال يضيعان الرجل: زن و ثروت مرد را به تباهی می‌کشانند.
- شیرینی و تلخی همزمان: المرأة مثل النحلة تهيك العسل ولكنها تلسعك: زن مثل زنبور عسل است، به تو عسل می‌دهد اما نیش هم می‌زند.
- غیرقابل اعتماد بودن: لا تثق بشمس الشتاء ولا بقلب المرأة: به خورشید زمستان و قلب زن اعتماد نکن
- از بین برنده آرامش: من له بيت هادئ ليس له زوجة: هر کس خانه آرامی دارد، زن ندارد.
- یکی نبودن حرف زن: وعود المرأة تكتب على صفحات الماء: وعده‌های زن

بر صفحات آب نوشته می‌شود.

(ج) ترکی:

- عامل جدایی پسر از خانواده خود: آرواد هارالی کیشی اورالی: زن اهل کجاست، مرد هم اهل همانجاست.

- فریبکار: آرواد شئیطانا بۆرك تیکر: زن برای شیطان کلاه می‌دوزد.

| سیمای اجتماعی نکوهیده زن | |
|--------------------------|--|
| زبان و فرهنگ | مصادیق |
| فارسی | مایه غم، عامل جدایی پسر از خانواده خود، نامطلوب، مایه گرفتاری و تنبل |
| عربی | ناامنی، فریبکار، عامل گمراهی و تباهی مرد، شیرینی و تلخی همزمان، غیرقابل اعتماد بودن، از بین برنده آرامش، ویکی نبودن حرف زن |
| ترکی | عامل جدایی پسر از خانواده خود، فریبکار |

۳-۳- سیمای تحقیرآمیز:

رابطه میان الفاظ و معانی آنها عمدتاً قراردادی است. اما گاهی این روابط تحت تأثیر همنشینی و جاننشینی الفاظ داخل جمله قرار می‌گیرد و دچار تحول یا بسط مفهومی می‌گردد. به عبارت دیگر، «با وجود این که هر واژه معنایی دارد، اما معنای دقیق هر واژه در جمله و با توجه به اجزای همنشین آن روشن می‌شود و از این روی، اگر واژه‌های همنشین يك واژه را تغییر دهند، ممکن است معنای آن واژه نیز تغییر کند.» (فضیلت، ۱۳۸۵: ۵۶). تأثیر این همنشینی ممکن است عاملی برای بزرگداشت، تحقیر، تمسخر، اهانت و... باشد. برای مثال هنگامی که واژگان «دزد» و «زن» را در ضرب‌المثل «به دزد اعتماد کن به زن مکن» می‌بینیم یا می‌شنویم، ناخودآگاه با این همنشینی در تعبیر، بار تحقیرآمیز و اهانت‌آمیز این مثل نسبت به زن را احساس می‌کنیم

وبه نوع باورهای گوینده آن پی می‌بریم.

در اینجا به ذکر آن دسته از ضرب‌المثلها می‌پردازیم که یا به طور مستقیم نگاه تحقیرآمیز نسبت به زن دارند، یا به صورت غیرمستقیم، با هم‌نشین کردن واژه «زن» با کلمات تحقیرآمیز دیگر، شأن ایشان را زیر پا می‌گذارند. در هر دو حالت، شیوه بیان این ضرب‌المثل‌ها به دو شکل آشکار و پنهان حاوی تحقیر و اهانت به زن می‌باشد.

الف) فارسی:

- پلی که زن ساخته باشد، اردک از آن عبور نمی‌کند (تحقیر مستقیم)
- اگر آب سر بالا رفت، زن هم عاقل می‌شود (تحقیر مستقیم)
- اسب از مربی وزن از مردش فرمان می‌برد (تحقیر غیرمستقیم با هم‌نشین‌سازی اسب و زن در فرمان‌داری)
- بستگان شوهر در بالای سفره و بستگان همسر در پایین سفره قرار می‌گیرند (تحقیر مستقیم)
- به دزد اعتماد کن به زن مکن (تحقیر غیرمستقیم از طریق هم‌نشین کردن کلمات دزد و زن در یک حکم کلی)
- به سگ دادند وفا به زن ندادند (تحقیر و اهانت غیرمستقیم از طریق هم‌نشین کردن کلمات سگ و زن)

ب) عربی:

- للقط سبعة أرواح وللمرأة أرواح سبعة قطط: گربه هفت جان دارد و زن جان هفت گربه (تحقیر غیرمستقیم از طریق هم‌نشین‌سازی کلمات گربه و زن)
- صوت حية ولا صوت بنية: صدای مار اما نه صدای دختر (تحقیر و اهانت غیرمستقیم با هم‌نشین‌سازی مار و دختر)
- حية جابت حية: ماری مار دیگری زاید (تحقیر و اهانت مستقیم)
- البنات إما تسترهن وإما تقبرهن: دختر را یا پنهان کن یا در قبر کن^(۳) (تحقیر و اهانت مستقیم)
- أولهن شماتة وآخرهن حسد: اولشان شماتت و آخرشان حسادت است (تحقیر

واهانت مستقیم)

(ج) ترکی:

- آرواد سوزونه باخان آرواد داندا کمدی: مردی که به حرف زنش گوش کند از زن کمتر است (تحقیر غیر مستقیم و پنهان زن)

| سیمای اجتماعی تحقیر آمیز زن | |
|-----------------------------|--|
| زبان و فرهنگ | مصادیق |
| فارسی | تحقیر مستقیم و بی ارزش انگاری فکر و تدبیر زن، اهانت غیر مستقیم با همنشین سازی و اژه زن با برخی حیوانات، تحقیر و اهانت مستقیم |
| عربی | اهانت غیر مستقیم با همنشین سازی و اژه زن با برخی حیوانات، تحقیر و اهانت مستقیم |
| ترکی | بی ارزش انگاری جایگاه زن |

۴- سیمای زن تحت تأثیر افکار سنتی و ایدئولوژیک:

با دقت در دیدگاه سنتی و کهن نسبت به زن، روشن می شود که این افکار گاه از چهارچوب ارزشمندی زن خارج شده و گاه تحت تأثیر خرافه ها قرار گرفته است. البته مجددا یادآوری می کنیم که منظور ما از زن در این پژوهش، جنس زن فارغ از نقش آن به عنوان مادر، خواهر، و... است. چه، اگر در میان کلمات قصار یا امثال و حکم کهن و سنتی به جستجوی این نقش ها باشیم، به سرعت در خواهیم یافت که برخلاف جنس زن، از این نقش ها به نیکی بسیار یاد شده و تقریباً هیچ فرهنگی را نمی توان یافت که مثلاً نسبت به «مادر» نگاه مثبتی ابراز نداشته باشد. اما این نگاه هنگامی که به زن و ماهیت جنسیتی او به عنوان عضوی از خانواده یا جامعه می افتد، میراثی نه چندان ارزشمند برای زن از خود بجا گذاشته است که در امثال امروزی هم رد آن باقیست.

از سویی دیگر، با ضرب‌المثل‌هایی نیز مواجه می‌شویم که تحت تأثیر برخی باورهای محتوم و کلی، ریشه و حالتی ایدئولوژیک به خود گرفته‌اند؛ این ضرب‌المثل‌ها آمرانه، تحکم‌آمیز، باورمحور، مسلم‌انگارانه و با جزم‌اندیشی درباره زنان حکم می‌کنند. از آنجا که یکی از مفاهیم بسیار بحث‌انگیز در علوم اجتماعی، ایدئولوژی^(۴) است، ابتدا به تعریف کلی از این اصطلاح می‌پردازیم، سپس منظور از به کارگیری آن را همراه با مصادیقش در ضرب‌المثل‌های مربوط به زنان بیان می‌کنیم.

اصطلاح ایدئولوژی از دو کلمه لاتین «ایده» به معنی فکر، نظر و ذهن و پسوند «لوژی» به مفهوم شناخت ترکیب شده است. منظور ما از ایدئولوژی در این نوشتار، آن دسته از باورها و افکار است که به عنوان مرجع توجیه‌کننده اعمال، رفتار و انتظارات افراد عمل می‌کند. معمولاً ایدئولوژی «در جوامعی به وجود می‌آید که در آنها مناسبات سلطه بر ساختارهای اجتماعی؛ از قبیل طبقه و جنسیت مبتنی است.» (کسانی، غلامرضا و اسلامی راسخ، عباس، ۱۳۹۴: ۳۸).

به طور دقیق‌تر، منظور ما از ایدئولوژی در این پژوهش، آن دسته از باورها و اندیشه‌های ثابت و نظام‌مند اجتماعی منعکس‌شده در ضرب‌المثل‌هاست که جامعه نسبت به جنس زن دارد و بازتاب‌دهنده و ترویج‌دهنده خطمشی عمل یا موضع‌گیری فراگیر خاص نسبت به زن می‌باشد و به نوعی محتوی «بایدها» و «نبایدها»ی اجتماعی و یا باورهای فراگیر یا مسلم جامعه درباره زنان است.

بنابراین، در این دسته‌بندی ضرب‌المثل‌هایی را قرار داده‌ایم که یا دیدگاهی سنتی و خرافه‌آمیز و به‌دور از واقعیات امروزی نسبت به زن دارند و یا اینکه ایدئولوژیک‌وار موضع‌گیری یا یک حکم کلی درباره زنان ارائه می‌دهند که اگر مثلاً رعایت نشود یا اتفاق افتد، زن دارای ارزشی خاص گردیده یا از آن ارزش ساقط می‌شود و البته اثبات یا رد این حکم کلی، ممکن نیست یا پرداختن به آن منجر به عبور از یک تابو می‌گردد. همچنین، در این نوع از امثال، نوع قضاوت درباره محتوای ضرب‌المثل ممکن است از فردی

به فرد دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت باشد. زیرا این نوع از امثال، اغلب مبنای اعتقادی صحیح و دینی ندارند و در نتیجه‌ی برداشتهای نادرست از اصول اعتقادی شکل گرفته‌اند و شدت وحدت این برداشتهای در نزد افراد متفاوت است.

قضاوت درباره میزان درستی یا نادرستی وحد و مرز این مبانی اعتقادی، مورد نظر این پژوهش نیست، اما قدر مسلم این است که این ضرب‌المثل‌ها، نظامی از «باورها» را در خود دارند که ممکن است بخشی از آن آگاهانه توسط فرد انتخاب شود و قسمتی دیگر نیز ناخودآگاه در درون اجتماع کسب گردد.

اکنون به ذکر تعدادی از این ضرب‌المثلها می‌پردازیم که دارای دیدگاه سنتی یا ایدئولوژیک نسبت به زن هستند:

الف) فارسی:

- اسب را از کرگی وزن را پس از عروس شدنش باید تربیت کرد (مسلم‌انگاری تربیت زن)
- زن لال هرگز از دست شوهرش کتک نخورد (باور تنبیه فیزیکی زن به خاطر اظهار نظر)
- زن با زنی خودش يك بار که گفت بله؛ تا پایان عمر روی حرف خود می‌ایستد (= از زن کمتر بودن؛ باور پست بودن زن)
- دوره برعکس شده، زنان از تنگ آب می‌خورند و مردان از کاسه (دیدگاه سنتی درباره مقام برتر مرد و جایگاه پست زن)
- زن پنهان، زر پنهان (ارزش‌گذاری زن بر مبنای اعتقادی)
- زن خانه‌داری می‌کند، مرد نان‌آوری (دیدگاه سنتی مبنی بر خانه‌داری زن)
- زن با چادر عروسی به خانه شوهر می‌آید و با کفن بیرون می‌رود (تقیب طلاق و ترغیب به ادامه زندگی مشترک بر مبنای سنتی)
- زن جوان خوبی است اما حیف که دخترزاست (تقیب سنتی و خرافی دخترزایی)

- زنان در آفرینش ناتمامند (حکم غیرقابل اثبات)
 - چادر قلعه زن است (الزام پوشش چادر از منظر اعتقادی)
 - شکم هر فتنه را که باز کنی، دست زن در کار است (حکم کلی مبنی بر فتنه‌انگیزی زن)
 - فلك از مکر زن صد ناله دارد (حکم غیرقابل اثبات)
 - عقد پسر عمو و دختر عمو در آسمان بسته شده (نگاه سنتی به ازدواج)
 - اسب خوب از طویله به در نرود دختر خوب از قبیله (دیدگاه سنتی و قبیله‌ای به ازدواج دختران)
 - خواب زن چپ است (حکم کلی و سنتی)
 - زن شیطان است (حکم کلی بر مبنای يك اعتقاد خرافی)
 - زنان چون ناقصان عقل و دین‌اند چرا مردان ره آنان گزینند (حکم غیرقابل اثبات)
 - به کاری مکن نیز فرمان زنکه هرگز نبینی زنی رایزن (حکم غیرقابل اثبات بر مبنای دیدگاه سنتی مبنی بر خطا بودن مشورت با زن)
 - زن خوب روزی دو دست کتک می‌خواهد تا زن بد حساب کار خودش را بکند (باور تنبیه زن بر مبنای دیدگاه سنتی و خرافی^(۵))
- (ب) عربی:**
- ستر البنت زواجها: پوشش دختر از دواج است (دیدگاه سنتی و منفی به زن که سبب می‌شود نگاه به ذ‌توأم با نگرانی و تلقی در دسر بودن او باشد)
 - نار جوزي ولا جنة أهلي: جهنم شوهرم نه بهشت خانواده‌ام (دیدگاه سنتی در تقبیح جدایی و مسلم‌انگاری برتری زندگی زناشویی در هر شرایط)
 - هم البنات حتی الممات: اندوه دختران تا زمان مرگ ادامه دارد (حکم کلی بر مبنای يك اعتقاد خرافی)
 - المرأة بلا راجل مال سايب: زن بدون مرد، مال گمشده است (دیدگاه سنتی و صدور حکم کلی غیرقابل اثبات با باور وابستگی قطعی زن به مرد)

- ما بشاور المرة إلا مرة: کسی که با زن مشورت می کند، خودش زن است (حکم کلی بر مبنای دیدگاه سنتی مبنی بر خطا بودن مشورت با زن)

- شورة المرة بتخرب الدار سنة: مشورت با زن يك سال خانه را خراب می کند (حکم غیرقابل اثبات بر مبنای دیدگاه سنتی مبنی بر خطا بودن مشورت با زن)

- طاعة النساء ندامة: پیروی از زنان (مایه) پشیمانی است (حکم کلی غیرقابل اثبات)

- اللي بتموت وليته من صفاء نيته: کسی که دخترش می میرد، از خلوص نیت او حاکی است (دیدگاه سنتی بر يك مبنای اعتقادی خرافی)

- بيت البنات خراب: خانه دختران ویران است (دیدگاه سنتی خرافی درباره دختران)

- النساء حبائل الشيطان: زنان ریسمانهای شیطانند (حکم کلی بر مبنای يك اعتقاد خرافی)

- المرأة بنص عقل: عقل زن نیم است (حکم غیرقابل اثبات)

(ج) ترکی:

- آروادا جهاد حرامدی: جهاد بر زن حرام است (حکم بر مبنای دیدگاه اعتقادی)

- آرواد مالی؛ نامرد مالی: ثروت زن مانند ثروت نامردان است (باور بی ارزش بودن ثروت زن و مسلم انگاری پرهیز از آن)

- آروادین یوخوسی ایری اولار: خواب زن چپ است (حکم کلی وسنتی)

- قیزی اؤز خوشونا قویسان یا موتروبه گندر یا زورناچیا: دختر را اگر در امر ازدواج به حال خود واگذارید یا زن مطرب می شود یا زن سورناچی (نگاه سنتی به ازدواج دختران)

| سیمای زن تحت تأثیر افکار سنتی وایدئولوژیک | |
|---|--|
| زبان و فرهنگ | نگرشها و احکام صادر شده |
| فارسی | مسلم‌انگاری تربیت زن، باور تنبیه فیزیکی، پست بودن، جایگاه پایین‌تر از مرد، مستور بودن، خانه‌داری، تقبیح طلاق در هر شرایط، تقبیح دخترزایی، ناتمام بودن در آفرینش، الزام پوشش خاص، فتنه‌انگیزی، مکار بودن، ازدواج فامیلی یا درون‌طایفه‌ای، چپ بودن خواب زن، شیطان بودن، ناقص العقل بودن، خطا بودن مشورت با زن. |
| عربی | لزوم ازدواج سریع، تقبیح طلاق و بهتر بودن زندگی در کنار شوهر تحت هر شرایطی، مایه اندوه، وابستگی قطعی و مالکیتی زن به مرد، خطا بودن مشورت با زن، تقبیح فرمان‌بری از زن، دردسر و شر بودن، عامل ویرانی خانه پدر، شیطان‌صفتی و ناقص‌العقلی. |
| ترکی | حرام بودن جهاد بر زنان، بی‌ارزش بودن ثروت زن، چپ بودن خواب زن، مختار نبودن در امر ازدواج. |

نتیجه

ضرب‌المثل‌ها بازتابی از افکار، باورها، ارزش‌ها، فرضیات ذهنی و شیوه مواجهه و برخورد با مسائل جامعه هستند. در این میان، زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه با از سر گذراندن تاریخچه‌ای عمدتاً تبعیض‌آمیز و دیدگاه‌های ناروا و قرار گرفتن در جایگاهی نابرابر در مناسبات قدرت میان زن و مرد از نظر سنتی، جایگاه مهمی در کلمات قصار و امثال فارسی، ترکی و عربی دارند و بررسی آنها می‌تواند تصویری روشن از دیدگاه جامعه به موضوع زن را در هر يك از زبانهای فوق‌الذکر ارائه دهد.

متأسفانه با بررسی و مطالعه اغلب ضرب‌المثل‌های فارسی، ترکی و عربی، ملاحظه می‌شود که سیمای ترسیم‌شده از زنان اغلب منفی، تحقیرآمیز و به دور از شأن انسانی آنان و برخلاف اصول اعتقادی صحیح دینی است.

اگر تنها از جنبه جنسیت، نگاهی به این ضرب‌المثلها بکنیم و «مادر» بودن، و انتظارات و قابلیت‌های «همسر خوب» بودن را در نظر نگیریم، آنگاه با حجم زیادی از افکار نظام‌مند و دیدگاه‌های سنتی، خرافی، تحکم‌آمیز، تحقیرآمیز و «باید نبایدی» نسبتاً فراگیر درباره زن مواجه می‌شویم که به دلایل مختلف طبقاتی، مناسبات مربوط به قدرت، و نگاه حاکمیتی قبیله‌ای و مردمحور، برخلاف آموزه‌های مقدس دینی سعی در کنترل وضع موجود و سرکوب توانایی‌ها و نادیده گرفتن جایگاه حقیقی زنان در جامعه دارند یا در خوشبینانه‌ترین حالت، دچار سوء برداشت و تفسیرهای ناروا از برخی اعتقادات مذهبی شده‌اند.

با وجود برخی تفاوتها در نوع رویکرد ضرب‌المثل‌های فارسی، ترکی آذری و عربی به زنان، به خاطر روابط تنگاتنگ اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و تأثیرات متقابل فراوان، می‌توان خطوط مشترک فکری میان آنها را در ضرب‌المثل‌های مربوط به زن به‌وضوح مشاهده کرد. دست‌بندی مورد استفاده در این پژوهش و پرداختن به ضرب‌المثل‌ها از منظر نو به‌خوبی بازتاب‌دهنده این خطوط فکری می‌باشد.

واکاوی ذهنی و از نظر گذراندن این ضرب‌المثل‌ها از لحاظ فردی، از یک سو قادر است اثری مثبت در تقبیح و تضعیف برخی دیدگاه‌های مخرب و منفی نسبت به زن در جامعه ایفا کند و در آینده سمت‌گیری فرهنگی جامعه را در این زمینه بهبود ببخشد؛ و از سوی دیگر، لزوم فرهنگ‌سازی و تدوین برنامه‌های تربیتی بیشتر در این زمینه را از نظر اجتماعی و تربیتی یادآور شود.

الهوامش:

(۱) Gender

(۲) به نظر می‌رسد که «این بیت نظر هواداران هیتلر را به یاد می‌آورد که می‌گفتند: زن برای سه چیز خلق شده است: برای آشپزی و کلیسا و بچه زاییدن» (جمالزاده، ۱۳۵۷:۲۷)

(۳) معادل این مثل فارسی است که: دختر نابوده به، چون نبود یا به شوی یا به گور . قابوسنامه (جمالزاده، ۱۳۵۷:۳۷).

(۴) Ideology

(۵) برخلاف آیه شریفه: «عاشروهن بالمعروف»: با زنان به نیکی رفتار کنید (نساء : ۱۹).

منابع

۱. القرآن المجید
۲. أصمعی، عبدالملك بن قریب، متوفای سال ۲۱۶ هجری، الأمثال، جمع وتحقیق ناصر توفیق الجبای؛ ۲۰۱۰، انتشارات انجمن عمومی کتاب سوریه، وزارت فرهنگ.
۳. اقبالی، عباس (۱۳۹۵)، تبیین نقش ضرب‌المثلها به منزله نماد تعامل فرهنگی ایران و عرب، مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سال اول، شماره سوم، پائیز، ص ۱۰۱ - ۱۱۳.
۴. امین‌الرعایا، پروین، شریفی، شهلا والیاسی، محمود، ۱۳۹۳، بررسی ویژگیهای منتسب به زنان در ضرب‌المثلهای فارسی، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۳۴، پاییز، ص ۸۹ - ۱۲۰.
۵. باقری، بهادر و فاطمه ۱۳۹۱، زن در آینه ضرب‌المثل‌های ایرانی، مجله انسان‌شناسی، سال دهم، شماره ۱۶، ص ۲۹ - ۵۲.
۶. بیهقی، ابوالحسن، ۱۳۱۷، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، بنیاد دانش.
۷. جمالزاده، سیدمحمدعلی، ۱۳۵۷، تصویر زن در فرهنگ ایرانی، چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
۸. خزلی، مسلم و سلیمی، علی، ۱۳۹۵، زن در آینه ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان.
۹. دوستی، حسین، ۱۳۷۹، ۷۰۰ ضرب‌المثل از فرهنگ مردم شهرستان اهر، چاپ اول، ستاره اهر.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۳، امثال و حکم، چاپ ۱۲، تهران، امیرکبیر
۱۱. ذوالفقاری، حسن، ۱۳۸۶، هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی، فصلنامه مطالعات ملی، س ۸، ش ۳۰، ص ۲۷ - ۵۲

- كبرى جبارلى: سيمای زن در ضرب المثلهاى فارسى، عربى و تركى آذرى ————— ۳۶۱
۱۲. —، ۱۳۸۸، فرهنگ بزرگ ضرب المثلهاى ايرانى، تهران، معين، چاپ اول.
۱۳. —، ۱۳۹۱، خانواده و روابط خانوادگى در ضرب المثلهاى فارسى، فصلنامه فرهنگ مردم ايران، شماره ۳۱، ص ۱۳۷ - ۱۵۵.
۱۴. رزق، سامية سليمان، ۱۹۸۸، صورة المرأة كما تقدمها برامج المرأة فى الإذاعة الصوتية، مكتبة الانجلوالمصرية، القاهرة.
۱۵. رضا، محمدرشيد، ۱۹۷۵، حقوق المرأة فى الإسلام، المكتب الإسلامى، بيروت.
۱۶. رضايى، حميد و ظاهرى عبدهوند، ابراهيم، ۱۳۹۴، جاىگاه زن و خانواده در ضرب المثلهاى بختيارى، دو فصلنامه فرهنگ و ادبيات عامه، سال ۳، شماره ۶، پاييز و زمستان، ص ۲۱-۴۲.
۱۷. زيادنة، صالح إسماعيل، ۲۰۱۴، موسوعة الأمثال الشعبية، الطبعة الأولى، فلسطين.
۱۸. سعدى، مصلح الدين، ۱۳۶۲، كليات، تصحيح محمد على فروغى، چاپ دوم، تهران، اميركبير.
۱۹. الشرفات، صالح، ۲۰۱۱، صورة المرأة فى الأمثال الشعبية الأردنية، الأكاديمية للدراسات الإجتماعية والإنسانية، العدد ۷، ص ۳۴ - ۴۱.
۲۰. شاهممدى، فاطمه و همكار، ۱۳۸۳، ضرب المثلهاى تركى در گویش زنجانى، انتشارات نيكان كتاب، زنجان.
۲۱. زارع شاهمرسى، پرويز (۱۳۹۸)، ضرب المثلهاى تطبيقى تركى و فارسى، نشر اختر تبريز، چاپ اول.
۲۲. شكورزاده بلورى، ابراهيم، ۱۳۸۰، دوازده هزار مثل فارسى و سى هزار معادل آنها، مشهد، آستان قدس رضوى.
۲۳. شبلى، أحمد، ۱۹۷۹، فى المجتمع الإسلامى، مطبعة دار التأليف، القاهرة.
۲۴. شريم، رعدة، ۲۰۰۷، المرأة فى الأمثال والأقوال، رؤية معاصرة، مجلة العلوم التربوية، جامعة القاهرة، العدد الأول.
۲۵. شعلان، إبراهيم أحمد (۱۹۷۲)، الشعب المصرى فى أمثاله العامة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

۲۶. عبدالباقي، سلوى، صورة المرأة المصرية، دراسة فى تحليل بعض البرامج الإذاعية، جامعة عين شمس، كلية الآداب.
۲۷. عدنان محمد نجم، منور وعبدالعزيزعلى، عزيزة، ۲۰۰۶، صورة المرأة فى الأمثال الشعبية الفلسطينية، دراسة مقدمة للمؤتمر العلمي «التاريخ الشفوي الواقع والطموح».
۲۸. عرفة، ايمان محمدابراهيم، ۲۰۱۱، صورة المرأة فى الأمثال والحكم الفارسية، رسالة المشرق الصادرة عن مركز الدراسات الشرقية، جامعة القاهرة، عدد خاص بأعمال مؤتمر المرأة فى الحضارات والآداب الشرقية، الجزء الأول، المجلد السابع والعشرون، أكتوبر.
۲۹. عزتى، زهره وهمكاران، ۱۳۹۷، تحليل گفتمان جایگاه زن در ضرب المثل های ترکی، دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۶، شماره ۱۹، فروردین و اردیبهشت.
۳۰. فرصتی جویباری، رضا ونبئی، مینا، ۱۳۹۲، بررسی جایگاه زنان در امثال و حکم فارسی با رویکرد جامعه‌شناسی، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶، ص ۱۴۵-۱۷۶.
۳۱. فضیلت، محمود، ۱۳۸۵، معنانشناسی و معنی در زبان و ادبیات، انتشارات دانشگاه رازی، چاپ اول.
۳۲. قائمی زاده، علی، ۱۳۷۳، حیات زن در اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران: امیری.
۳۳. کسائی، غلامرضا و اسلامی راسخ، عباس، ۱۳۹۴، زن در ضرب المثل های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم شماره سوم، پاییز، ص ۲۵-۴۴.
۳۴. مسبوق، سیدمهدی وبرزگر، مریم، ۱۳۹۲، مقاله بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات، فصلنامه علمی - پژوهشی لسان مبین، دانشگاه بین المللی امام خمینی، دوره ۵، شماره ۱۴، زمستان. ص ۱۰۲-۱۱۹.
۳۵. النسائی، أحمد بن شعيب، ۱۹۸۶، المجتبى من السنن، ط ۲، تحقيق عبدالفتاح ابو غدة، مكتبة المطبوعات الإسلامية، حلب.